

شکل گیری پادشاهی ماد

از رهبر تشکیل دهنده اتحادیه طایفه های مادی ، با نامهای " دیاکو" ، " دیوک " و یا " دیاکو " یاد شده است . او با حمایت گسترده مردم منطقه ، توفیق یافت تا از مجموعه سرزمینهای که بر هر یک رئیس و شاهکی حکومت می راند در فاصله 788 ق.م. و به اعتبار دیگر 767 تا 745 ق.م. در منطقه وسیعی که شامل ماد کوچک ، مرکزی و شرقی می شد ، دولتی را پی ریزی کند که در قرن هفتم پیش از میلاد تا دو دهه آغازین قرن ششم ق.م. بزرگترین پادشاهی نیرومند زمان گردد.

مدت زمانی پس از شکست دیاکو از سارگن شاه آشور ، فرزند و جانشین او که نامش به گونه های مختلفی ، چون فرورتیش ، خشتریته ، کشتریتی و فرائورتس یاد شده است ، قدرت رهبری را به دست گرفت و در 3-672 ق.م. در برابر آشوریها به پا خاست . حدود دو دهه بعد ، بر اثر قدرت طلبی رهبران سکاها ی آریایی در جهت کسب مقام رهبری اتحادیه و منطقه ، نزدیک یک ربع قرن ، یعنی 652 تا 585 ق.م. با توانمندی به ساماندهی حکومت و جذب دولتهای مختلف کوچک و بزرگ پرداخت که در واقع میتوان او را نقش آفرین دوران گسترش و شکل گیری پادشاهی ماد به شمار آورد . بنا بر قول هرودوت ، او طی نبردی سران سکاییان را به اطاعت وادار کرد (در حدودسالهای 613 و 612 ق.م.) . دولت مانای تا قبل از 610 ق.م. سلطنت کیاکسار را به رسمیت شناخت و خود جزئی از دولت ماد گردید . دولت اورارتو نیز در آغاز دهه آخر قرن هفتم ق.م. رهبری کیاکسار را پذیرفت و جزئی از کشور ماد گردید . هم در زمان هوخشتره (کیاکسار) ، سرزمین پارس به بخشی از سرزمینهای دولت بزرگ ماد ، تبدیل گردید و هوخشتره فرمانروایی پارس را بر عهده کمبوجیه پدر گوروش بزرگ وا گذاشت. به اعتباری ، لوح سیمین " آریارمنه " در همین زمان به وسیله هوخشتره به هگمتانه - پایتخت مادها - انتقال یافت . همزمان با این رویدادهای مهم و فراهم آمدن موجبات شکل گیری دولت بزرگ ماد ، با پیوستن اتحادیه های طایفه ای و دولتهای کوچک و بزرگ مستقر در فلات ایران که از هیستگهای فرهنگی دیرینه برخوردار بودند ، هوخشتره زمان را برای در هم شکستن حکومت متجاوز و خونریز آشور که طی چند قرن با یورشهای پی در پی ، به ویرانگری و کشتارهای وحشتناک در بخش وسیعی از فلات پرداخته بود ، مناسب دید . از مدتی پیش ، میان بابل و آشور درگیریهای صورت گرفته بود ، ولی بابلی ها کاری از پیش نبرده بودند . با توجه به تمامی زمینه ها ، کیاکسار نیروهای خود را با عبور از گردنه های زاگرس به ایالت " آراپخای " بالاتر از نینوا ، رسانید و بعد از تسخیر شهر " طرییس " از دجله گذشت و تا شهر مشهور " آشور " پیش راند و آن را به تصرف در آورد . پس از آن ، بابلی ها دولت ماد را در آستانه در هم شکستن قطعی آشور دیدند ، بر اساس توافقهای پیشین ، به یاری مادها آمدند و با هم به محاصره " نینوا " پرداختند . در ماه اوت 612 پیش از میلاد ، نینوا سقوط کرد و به دوران حکومت خشن ترین قدرت زمان ، پایان داده شد.

سقوط نینوا و از میان برداشته شدن دولت آشور ، از جمله رویدادهایی است که مورد استقبال فراوان همه ساکنان سرزمینهای مجاور آن کشور که لطمه های بسیار از آن دیده بودند ، قرار گرفت . کیاکسار برای آنکه بار دیگر آشور سر بلند نکند ، بازمانده نیروهای آشوری را که به " حران " رفته بودند ، در هم کوفت و در نتیجه سراسر بین النهرین شمالی و تمامی کشور آشور و از جمله ، ناحیه سیرو - مدی یا " سوریه - ماد " را به کشور ماد ملحق گردانید.

هوخشتره بعد از پیروزی درخشان بر آشور ، به سوی غرب راند و با دولت لیدی (Lydia) مدت پنج سال به نبرد پرداخت . سرانجام ، بر اثر پادرمیانی بخت نصر پادشاه بابل میان دو دولت صلح برقرار گردید و رود قزل ایرماق با " هالیس " به عنوان مرز دو کشور و به عبارتی ، غربی ترین مرز پادشاهی ماد تعیین شده . در این هنگام مادها از جنوب غربی با کشور بابل هم مرز بودند و از سوی شمال ، سراسر سرزمین " وان " یا ارمنستان جزئی از کشور ماد به شمار می رفت . هرودوت (در مجله یکم ، بند 104) یادآور شده است که " خاک ماد " با سرزمین " ساسپیریان " (یعنی قبایل ایبری و گرجی) هم مرز بود. در مورد سرزمین " کادوسیان " و " ماردان " یا گیلان و مازندران و نیز ایلام ، برخی از مورخان با شك و تردید سخن گفته اند ، در حالی که در نوشته های کهن به پیوستگی آنها با ماد اشاره شده است . از جمله " کتزیاس " درباره کادوسی ها اشاره دارد که آنان تا کمی به پایان دوران دولت ماد ، جزئی از آن کشور بوده اند . در مورد ایلام نیز باید گفت که سرزمین مزبور ، دست

کم بعد از سقوط قدرت آشور نمی توانسته است به صورت مستقل باقی مانده و جزئی از سرزمین ماد نشده باشد.

دیا کونوف در بحث مربوط به ساتراپهای دولت ماد در عهد آستیاک (فرزند هوخشتره) سرزمینهای زیر را نیز ، افزون بر آنچه گفته شده ، به عنوان ساتراپهایی از کشور ماد یاد می کند :

- در نگیانا و کارمان و میکیان (شامل سیستان ، کرمان وبخشی از مکران و غرب افغانستان تا خط هرات - قندهار)
- ناحیه " پاریکانیان و حبشیان آسیایی " یا مکران بلوچستان کنونی .
- پارت وهیرکانیه ، مسلما" ، آره یا وسغدیانا به احتمال ولی گمان نمی رود تماما، و خوارزم به ظن بسیار ضعیف .

هرودوت به تسخیر این سرزمینها توسط فرورتیش اشاره دارد . از این رو می توان به ظن قوی گفت که حدود ماد از طرف مشرق تا " باختر " وجیحون امتداد داشته است .

source:

<http://zegorat-iran.blogfa.com/post-29.aspx>